

«هامون نیکویی - محمد پازکی»

سالنامه نگاری "سرود ملی" در ایران

همان گونه که می دانید سرود «ای ایران» را می توان سرود غیر رسمی ایران نامید که در مهر ماه ساخته و پرداخته شده است. به همین انگیزه نگاهی به چگونگی ساخت این سرود ملی به یادماندنی می اندازیم.

سرود «ای ایران» در ۲۷ مهر ماه سال ۱۳۲۳ خورشیدی در تالار دبستان نظامی [دانشکده ی افسری کنونی] و با همکاری گروهی از خنیاگران کوشای ایران فراهم شد. سرود این سرود را "حسین گل گلاب" استاد دانشگاه تهران سروده بود و از ویژگیهای آن، نخست این است که تک تک واژه های به کار رفته در سروده، پارسی است و در هیچ یک از بیت های آن واژه بی تازی یا انیرانی به کار نرفته است. سراسر هر سه بند سرود، سرشار از واژگان خوش تراش پارسی است. سرود ای پاکیزه و سراسر پارسی ناب که هیچ واژه ی بیگانه در آن راه پیدا نکرده است. با این همه، هیچ واژه یی نیز در آن ناشناخته نیست و دریافت سرود را دشوار نمی سازد. دومین ویژگی سرود "ای ایران" در بافت و ساختار سروده ی آن است: به گونه یی که همه ی گروه های سنی، از کودک تا بزرگسال می توانند آن را انجام دهند. همین ویژگی، مایه ی آن شده تا این سرود در همه ی کانونهای آموزشی و شاید هم در کودکانها در خور انجام دادن باشد.

در پایان، سومین ویژگی این سروده، فراگیری آن بی ابزار و نیاز مندیهای اجرایی است که هرکس یا هرگروه

می تواند، بی ساز و ابزارهای موسیقی نیز آن را انجام دهند.

آهنگ این سرود که در آواز دشتی فراهم شده، از ساخته های ماندگار استاد "روح الله خالقی" است. نوای بنیادین کار، از برخ نغمه های خنیاگری بختیاری گرفته شده است که از آب و هوای رزمی برخوردار است. این سرود در اجرای نخست خود گُر [گروه خوانی] نامیده شد. لیک ساختار استوار سرود و خنیا ی آن سبب شد تا در دهه های بعد خوانندگانی بزرگ چون "غلامحسین بنان" و نیز "اسفندیار قره باغی" آن را به گونه ی تک خوانی هم انجام دادند.

در سالهای نخستین پس از انقلاب، این سرود، کوتاه زمانی با نام "سرود ملی" از رادیو و تلویزیون ایران پخش می شد. پیش از پرداختن به پیشینه و تاریخچه ی آغازین "سرود ملی" در ایران، شاید بد نباشد گوشزدی کنیم به آنچه در زمان "ناصرالدین شاه" به عنوان "سلام شاهی" اجرا می شده است. آری، آن قطعه موسیقی بدون کلامی بوده به سفارش پادشاه اسلام پناه، از سوی ژنرال نظامی موسیو "لومر" فرانسوی، مدیر "شعبه ی موزیک"، در "مدرسه ی دارالفنون" ساخته شده بود. این قطعه موسیقی را که در همان زمان بر رویه ی گرامافون [آوِه] هم ضبط شد در آیینهای رسمی و سلام شاهنشاهی می نواختند.

پنجاه سالی پس از آن، در زمان پادشاهی "رضا شاه" چیزی مانند همین "سلام شاهی" دوران قاجاریه را به نام "سرود ملی" و پس از او در دوره ی پادشاهی پسرش "محمد رضا شاه"، آن را "سرود شاهنشاهی" نام گذاشتند!

لیک تاریخچه ی آغازین "سرود شاهنشاهی" در ایران، به گونه یی با پیشینه ی پویایی و تاریخچه ی سازمان یابی "انجمنهای ادبی" در کشور، وابسته است. سازمان یابی انجمنهای ادبی با مشروطیت روایی یافت. در آن زمان "وثوق الدوله" که دوستدار سرود و ادب پارسی بود، نشستهایی برای موضوعهای ادبی سامان داده بود. این انجمنها در آغاز پادشاهی "رضا شاه" رونق گرفت و نزدیک به هفده انجمن ادبی در تهران تشکیل می شد. برای نمونه: "انجمن ادبی حکیم نظامی" در خانه ی "وحید دستگردی" در روزهای چهارشنبه در خیابان عین الدوله [ایران]، "انجمن دانشوران" در روزهای شنبه در خانه ی "شاهزاده سیف الله میرزا" در منیریه و "انجمن ادبی شیخ الرییس" در شبهای



گفت: از دشمنان جان می‌ستانیم. دیگر کلمه "شهنشه" بود که گفته شده بود: شهنشه ما زنده باد، که رضا شاه تغییر داد به شاهنشاه ما زنده باد... و بدین طریق "سرود ملی ایران" تهیه گردید...

متن سرود ای ایران

ای ایران ای مرز پر گهر

ای فاکت سرپوشمه هنر

دور از تو اندیشه بدان

پاینده مانی تو جاودان

ای دشمن از تو سنگ خارهای من آهنم

جان من فدای فاک پاک میهنم

مهر تو چون شد پیشه‌ام

دور از تو نیست اندیشه‌ام

در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما

پاینده باد فاک ایران ما

سنگ کوهت در و گوهر است

فاک دشتت بهتر از زر است

مهرت از دل کی برون کنم

بر گو بی مهر تو چون کنم

تا گردش جهان و دور آسمان بیاست

نور ایزدی همیشه رهنمای ماست

مهر تو چون شد پیشه‌ام

دور از تو نیست اندیشه‌ام

در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما

پاینده باد فاک ایران ما

آدینه. [شیخ‌الرئیس که نام اصلی او "شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر" بود، پیش از این در خراسان معلم "عبدالحسین تیمورتاش" بود که سپسها به سمت نماینده ی مجلس انتخاب شد و به تهران آمد و این انجمن را تشکیل داد.] "ملک الشعرا ی بهار"، "رشید یاسمی"، "عباس اقبال آشتیانی"، "سعید نفیسی" و "تیمورتاش" نیز هر هفته نشست داشتند به نام "انجمن دانشکده" که موضوعهای مورد گفت و گو در آن انجمن، نخست ادبی بود و سپسها ساستاری شد.

باری، مهم‌ترین انجمن آن روزها، "انجمن ادبی ایران" بود که وحید دستگردی، شاهزاده افسر، "ادیب السلطنه سمیعی"، "حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی"، "صادق سرمد"، "محمدحسین شهریار"، "پارسا تویسرکانی"، "پروین اعتصامی" و "پژمان بختیاری" برپا کرده بودند. سراسر "رضا نیازمند" در نوشته یی با نام [انجمن ادبی ایران] ماجرای آفرینش سرود شاهنشاهی [چاپ شده در فصلنامه ی "ره آورد" می‌نویسد:

"... در این موقع رضا شاه تصمیم گرفت به مسافرت ترکیه برود. به او اطلاع دادند که در آنجا برای او "سرود ملی خواهند نواخت. چون ایران سرود ملی نداشت، رضا شاه دستور داد که به "انجمن ادبی ایران" تکلیف کنند "سرود ملی" تهیه شود. موضوع در انجمن مطرح شد. ولی اعضا نمی‌دانستند که چگونه "سرود ملی" تهیه نمایند. ابتدا تصمیم گرفتند که به سرودهای سایر ممالک گوش دهند تا معلوم شود اصولاً "سرود ملی" چیست، و متضمن چه مطالبی است. سپس شعرهایی بسرایند، و با آهنگ بیامیزند. قرار شد آقای "مین‌باشیان" در انجمن حضور یابد و در این مورد راهنمایی کنند. آقای "مین‌باشیان" [غلامرضا خان سالار معزز] در "مدرسه موزیک" که شعبه‌ای از "دارالفنون" بود، تحت نظر موسیو "مولر" فرانسوی، تحصیل موسیقی کرده بود و سپس معلم موسیقی و بعدها ریاست کل موزیک نظام (ارتش) را به عهده داشت. در جلسه انجمن قرار شد "شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر" و "مین‌باشیان" با هم سرود را بسازند. بدین ترتیب که شعر آن را "شاهزاده افسر" تهیه کند و آهنگ آن را "مین‌باشیان". به زودی سرود شاهنشاهی آماده شد و به دربار تقدیم گردید که به نظر رضا شاه برسد. شاه پس از شنیدن شعر و آهنگ، دو جای آن را اصلاح کرد. [!!] یکی اینکه گفته شده بود: از اجنبی جان می‌ستانیم، که رضا شاه

گرفتهاها

بخش فرهنگی هنری پایگاه اینترنتی تبیان

www.tebyan.net

فصلنامه ی «ره آورد» شماره ۳۴ - برگرفته از وبلاگ راوی حکایت باقی.

